



تعلق به خرده فرهنگ جوانان در شهر تهران

تحقیق حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که جوانان تا چه حد به خرده فرهنگ جوانان تعلق دارند و چه عواملی بر میزان این تعلق موثر است. این تحقیق از نظر هدف از نوع بنیادی است. از نظر روش گردآوری اطلاعات از نوع پیمایشی است؛ یعنی اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده است.

نمونه‌گیری به شیوه غیر احتمالی و از نوع هدفمند است. حجم نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر از جوانان تهرانی اعم از دختر و پسر است که در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله قرار دارند.

نتایج توصیفی تحقیق حکایت از تعلق جوانان به خرده فرهنگ جوانان دارد و نتایج تحلیلی نیز بیانگر وجود رابطه بین متغیرهایی همچون پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نگرش جهان‌وطنانه با درجه تعلق به خرده فرهنگ جوانان است. از سوی دیگر، متغیرهای مشارکت سیاسی، درجه مذهبی بودن، سن، محل سکونت و جنس فاقد رابطه معنی‌دار بودند.

واژگان کلیدی: خرده فرهنگ جوانان، درجه جهان وطنی، مشارکت سیاسی، درجه مذهبی بودن

محمود شهابی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه

طباطبایی

shahabi@atu.ac.ir

محمدسعید ذکایی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه

طباطبایی

zakaei@atu.ac.ir

علیرضا فرخی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز یاسوج

alirezafarrokhi2008@yahoo.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسئله

مفهوم خرده‌فرهنگ در جامعه‌شناسی ابتدا توسط مک لانگ لی و گوردن به عنوان زیر مجموعه‌ای از فرهنگ ملی به کار برده شد (Brake, 1980:5). بر این اساس مفهوم خرده‌فرهنگ جوانان (Youth subculture) را می‌توان در ساده‌ترین تعبیر آن به گروهی از جوانان اطلاق کرد که ضمن داشتن وجوه مشترک با فرهنگ ملی، دارای ارزش‌ها، باورها، فعالیت‌های فراغتی و سبک‌های زندگی اختصاصی یا متفاوت از دیگر اعضای جامعه‌اند که همین وجوه متمایز به آنان هویت خرده فرهنگی خاصی می‌بخشد. به علاوه، خرده‌فرهنگ‌های جوانان به یک جنبش اجتماعی پراکنده به لحاظ جغرافیایی متشکل از نوجوانان و جوانان که دارای مجموعه مشترکی از ارزش‌ها، علایق و یک ایدئولوژی‌اند، اطلاق می‌شود- این افراد لزوماً به تعامل چهره به چهره با

سایر افراد وابسته نیستند و ملاک قاطع و خشکی برای ورود به گروه، عضویت در آن و یا تعهد نسبت به آن وجود ندارد.

سابقه پیدایش خرده‌فرهنگ‌های جوانان به سال ۱۹۵۳ بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که اولین خرده‌فرهنگ جوانان در مناطق کارگرنشین جنوب و شرق لندن به نام «تدی‌بوی‌ها» (Teddy boys) شکل گرفت و تا اواخر ۱۹۶۰ نیز به حیات خود ادامه داد. در ایران نیز همزمان با افزایش درجه صنعتی شدن، گسترش ارتباطات بین‌المللی، گسترش شهرنشینی و افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها شاهد شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های جوانان هستیم که عمدتاً خصلتی وارداتی و تقلیدی از کشورهای غربی داشته است. به عنوان مثال، در دهه ۱۳۵۰ شاهد رشد و گسترش خرده‌فرهنگ «هیپسِم» در داخل کشور بودیم؛ چنان که جوانان ایرانی با روی آوردن به ظاهری ژنده و تبلیغ صلح و عشق، به تقلید از رفتار هم‌نوعان خود در کشورهای غربی روی آوردند. موج اول «پانکسِم» نیز در اواخر دهه ۱۳۵۰ شمسی به ایران آمد، ولی با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به صورت موقت رنگ باخت؛ ولی موج دوم آن بعد از سپری شدن سال‌های جنگ دوباره در بین جوانان رواج یافت. پس از مدتی مفهوم «پانک» جای خود را به مفاهیم «هوی متال» و «رپ» داد که هنوز هم هویت خرده‌فرهنگی خود را بر اساس این گونه‌های موسیقی تعریف می‌کنند. در سال‌های اخیر شاهد یک گذار در زمینه فعالیت‌های خرده‌فرهنگی در میان جوانان ایرانی از تعلق به خرده‌فرهنگ‌های دارای مارک و علامت خاص (مثل هیپی، پانک، هوی‌متال و رپ) به سمت هویت‌های خرده‌فرهنگی بدون نام و نشان بوده‌ایم؛ به این معنی که سبک‌های زندگی متنوع و متفاوتی رواج یافته است که هر چند محتوای آن تابع پویایی مد در جامعه است، اما قالب آن را فعالیت‌های خرده‌فرهنگی مستمر و دائمی تشکیل می‌دهد که اعضای خرده‌فرهنگ‌های مختلف را دور هم گرد آورده است. به علاوه، در سال‌های اخیر شاهد نوعی گذار در زمینه فعالیت‌های خرده‌فرهنگی هم در عرصه جهانی و هم در داخل کشور در راستای حرکت از فعالیت‌های خرده‌فرهنگی با انگیزه‌ها و دلالت‌های آگاهانه سیاسی به سمت فعالیت‌های بدون دلالت‌های آگاهانه سیاسی هستیم. امروزه حتی در کشورهای غربی فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان بر خلاف سابق کمتر با جهت‌گیری‌های سیاسی همراه است (شهبازی، ۱۳۸۲: ۹) در ایران نیز همین مسئله مشهود و ملموس است. اگر در دهه ۱۳۶۰ گروه‌هایی همچون «پانک» و «هیپی» به تقلید از هم‌نوعان خود در برابر نظم موجود مقاومت می‌کردند، امروزه فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان کمتر با چنین انگیزه‌هایی دنبال می‌شود و همان‌گونه که ذکر شد، رویکرد حاکم بر فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان در ایران مصرف کالاهای فرهنگی غربی است که در قالب پیروی از مد متجلی می‌شود. اینک، بیش از هر زمان دیگر فعالیت‌های خرده‌فرهنگی در میان جوانان کشور مشاهده می‌شود، اما بی‌تردید، این گرایش یا تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان در میان نسل جوان کشور به گونه‌ای یکسان نیست؛ علاوه بر متغیرهای کلانی چون درجه شهرنشینی، درجه صنعتی شدن و سطح توسعه‌یافتگی شهرهای کشور محتمل است که متغیرهای دیگری نیز در شهری مثل تهران بر میزان تعلق به این خرده‌فرهنگ‌ها تعیین‌کننده باشد. سؤال اساسی این تحقیق این است که کدام عوامل در درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان تأثیر گذارند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

بدون شک، مهم‌ترین دغدغه مسئولین نظام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به خصوص پس از دوران هشت ساله جنگ تحمیلی با عراق، مسئله فرهنگ و مقولات مرتبط با آن بود؛ چنان که مطالعه گفتمان رایج در میان سیاستمداران در این مقطع تاریخی و رواج واژه‌هایی همچون شبیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی و استحاله فرهنگی همگی موبد این موضوع است. بدین ترتیب، از این زمان به بعد در قبال فرهنگ بیگانه و تجلیات آن و همچنین مروجین این فرهنگ، واکنش‌های شدیدی نشان داده شد و به عنوان جلوه‌ای از تهاجم فرهنگی به خرده‌فرهنگ‌های جوانان اشاره گردید. شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های جوانان فارغ از هرگونه نام و نشان باعث شد تا مسئولان و متولیان امور فرهنگی نگاه خود را بیشتر به این خرده‌فرهنگ‌ها معطوف کنند. از این روست که شاهد مواجهه نیروهای شبه نظامی (بسج) و انتظامی با جوانان با تعلقات خرده‌فرهنگی هستیم. از سوی دیگر، در مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، شاهد حضور نگاه آسیب شناسانه صرف به مقوله خرده‌فرهنگ جوانان هستیم که بر طبق آن، این گونه گروه‌ها و فعالیت‌ها منحرفانه قلمداد می‌شوند. لذا این تحقیق بر آن است تا فارغ از هرگونه پیش‌داوری و با نگاه علمی صرف به مقوله خرده‌فرهنگ جوانان و فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان بپردازد و با بررسی عوامل موثر بر تعلق به خرده فرهنگ جوانان به تصویری واقع بینانه در این زمینه دست یابد.

اهداف تحقیق

- ۱- شناسایی معرف‌ها یا مولفه‌های درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان در شهر تهران
- ۲- بررسی درجه تعلق جوانان تهرانی به خرده‌فرهنگ جوانان
- ۳- بررسی تأثیر درجه مذهبی بودن جوانان بر درجه تعلق آنان به خرده‌فرهنگ جوانان
- ۴- بررسی تأثیر مشارکت سیاسی جوانان بر درجه تعلق آنان به خرده‌فرهنگ جوانان
- ۵- بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان بر درجه تعلق آنان به خرده‌فرهنگ جوانان
- ۶- بررسی تأثیر نگرش جهان‌وطنانه جوانان بر درجه تعلق آنان به خرده‌فرهنگ جوانان
- ۷- بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک (سن، جنس و محل سکونت) جوانان بر درجه تعلق آنان به خرده‌فرهنگ جوانان

پیشینه تحقیق

نوذر امین صارمی (۱۳۷۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «جامعه‌شناسی خرده‌فرهنگ و مجرم : بررسی رفتار دستگیر شدگان منكراتی»، به این نتیجه رسید که بین گرایش به خرده‌فرهنگ‌های معارض و قرار گرفتن در موقعیت تأثیر از فرهنگ بیگانه رابطه معنی داری وجود دارد و افرادی که بیشتر در این موقعیت قرار داشته‌اند، بیشتر به سمت تقلید از الگوهای ناپه‌نچار و خرده‌فرهنگ‌ها گرایش پیدا می‌کنند. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به خرده‌فرهنگ‌ها رابطه معنی داری وجود دارد. به اعتقاد نویسنده بر مبنای مجموع بحث‌های نظری و میدانی در این پژوهش،

خرده‌فرهنگ‌ها تحت تأثیر رسانه‌ها، فرآورده‌های فرهنگی و با تأسی از گروه‌های مرجع، شکل گرفته‌اند. مجید کوه دخیل (۱۳۸۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «عوامل موثر بر گرایش جوانان به الگوهای غربی» - با نمونه‌ای ۱۰۰ نفره از دختران و پسران تهرانی - به این نتیجه رسید که بین گرایش به غرب و پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد، ولی بین سست بودن باورهای مذهبی و گرایش به الگوهای غربی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چه فرد نسبت به اعتقادات و باورهای خود نگرش منفی داشته باشد، گرایش به غیر خودی بیشتر می‌شود.

علی‌اصغر صباغ پور (۱۳۷۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «بررسی نگرش‌های سیاسی، مذهبی و سیاسی جوانان ذکور ۱۷ تا ۲۲ سال و عوامل موثر بر شکل‌گیری نگرش سیاسی جوانان در سال ۱۳۷۳» که بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های دولتی انجام داد، به این نتیجه رسید:

- پابندی جوانان به گروه‌های مرجع خارجی تأثیری منفی بر نگرش سیاسی آن‌ها می‌گذارد.

- بین پابندی جوانان به گروه‌های مرجع هنری، ورزشی و خارجی با میزان گرایش مذهبی آنها رابطه معکوس وجود دارد. به طور کلی، صباغ پور در تحقیق خود به این نتیجه رسید که میزان گرایش جوانان به گروه‌های مرجع خارجی تأثیر منفی بر تقویت نگرش‌های سیاسی و مذهبی آنان دارد.

ابوالفضل اشرفی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هوی‌متال) در تهران» - در یک نمونه ۱۹۲ نفری از نوجوانان متظاهر و غیرمتظاهر به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در سه منطقه پایین، بالا و متوسط تهران - به این نتیجه رسید که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی بیشتر باشد، بیشتر به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال گرایش پیدا می‌کنند. نتایج کلی این تحقیق نشان داد که گرایش نوجوانان به الگوهای غربی نسبت به نظام اجتماعی فقط در شکل ظاهری نیست، بلکه در سطوح مهم‌تر و حساس‌تر و حتی در بین نوجوانانی که گرایش به غرب ندارند نیز دیده می‌شود.

زیدعلی بساطبیگی (۱۳۸۱) دانشجوی دانشجوی دانشگاه تهران در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «جامعه‌شناسی جوانان شهر تهران: علل گرایش جوانان به خرده‌فرهنگ‌های مذهبی و ضدفرهنگ‌ها (رپ، هوی‌متال و پانک) در تهران» به این نتیجه رسید که بین شغل والدین (یکی از مولفه‌های پایگاه اجتماعی) و گرایش جوانان به هر دو نوع خرده‌فرهنگ رابطه معنی داری را نشان می‌دهد.

زهرآ پورغلام آرائی (۱۳۸۴) در بررسی گرایش‌ها و رفتارهای خرده‌فرهنگی دختران دبیرستانی در شهر تهران به این نتیجه رسید که در حدود یک سوم دختران به میزان کمی به خرده‌فرهنگ‌ها نگرش منفی دارند، ۳۷ درصد تا اندازه‌ای گرایش دارند و حدود یک سوم به میزان زیادی به فعالیت‌های خرده‌فرهنگی گرایش نشان می‌دهند. همچنین، مشخص شد که عنصر غالب در این گونه رفتارها گوش دادن به موسیقی غیرمجاز است که بیش از دو سوم پاسخگویان به آن می‌پردازند و از میان عوامل موثر، معدل و سن، تأثیر معکوس و مصرف خانگی فراغت، نگرش منفی به زنانگی سنتی و مصرف رسانه‌ای به ترتیب بیشترین سهم را در تغییرات متغیر داشته‌اند.

چهار چوب نظری:

در تبیین درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان دو دیدگاه نظری رقیب وجود دارد: دیدگاه اول که برگرفته از نظریه پیربوردیو است و آن را تابع جایگاه فرد در سلسله مراتب طبقاتی می‌داند و به همین دلیل درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان را با خاستگاه طبقاتی یا به عبارتی، تمایزات ساختاری آنان مرتبط می‌داند. دیدگاه دوم که ملهم از نظریه فردی شدن الریش بک است و با تأکید بر این نکته که فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان بیشتر ریشه در سلاقی و علائق شخصی افراد دارد، تفسیری به اصطلاح پست‌مدرنیستی از فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان ارائه می‌دهد. مطابق این دیدگاه، تمایزات فرهنگی برحسب مقولاتی از جمله: جنس، سن، نگرش جهان‌وطنانه و درجه مذهبی بودن و مشارکت سیاسی در تعیین میزان گرایش جوانان به خرده‌فرهنگ جوانان نقش مهمی ایفا می‌کند. در ادامه به صورت مسووط‌تری به بررسی دو دیدگاه فوق می‌پردازیم.

دیدگاه اول مشتمل بر دیدگاه کسانی همچون بوردیو و طرفداران مکتب مطالعات فرهنگی برمینگام است. پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی از جمله کسانی است که قائل به تفسیری طبقاتی از مصرف فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی افراد است. بوردیو با پیش کشیدن مفهوم سرمایه فرهنگی به بیان دیدگاه‌های خود در این باره پرداخته است. به عقیده بوردیو، سرمایه فرهنگی از طریق آموزش و تربیت که پایگاه افراد آن را تعیین می‌کند، حاصل می‌شود. سرمایه فرهنگی یک محور سیستم تمایز است که در آن سلسله مراتب فرهنگی با واحدهای اجتماعی و ذائقه مردم که اول از همه نشانه طبقه است، مطابقت می‌کند. از نظر بوردیو، مصرف فرهنگی افراد از مولفه‌های شناخت جایگاه و پایگاه آنان در جامعه است؛ به عبارت دیگر، این مصرف فرهنگی و در واقع سرمایه فرهنگی افراد است که متمایز کننده آنها از همدیگر است. به عقیده بوردیو، طبقات بالای جامعه برای متمایز کردن خود از طبقات پایین جامعه سعی می‌کنند کالاهای فرهنگی جدید را خلق و مورد استفاده قرار دهند. از این رو، بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی نیز همانند سرمایه اقتصادی به صورت نابرابر در میان افراد جامعه توزیع شده و این مکانیزمی است که به وسیله آن طبقات بالای جامعه سعی دارند تا جایگاه و پایگاه خود را در جامعه حفظ کنند. لذا سرمایه فرهنگی به عنوان ابزاری مهم برای گسترش و رهبری طبقات بالای جامعه بر طبقات پایین جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر بوردیو معمولاً افرادی که در یک طبقه اجتماعی قرار دارند، فعالیت‌های فرهنگی و مصرف فرهنگی مشابهی دارند و سبک زندگی یکسانی را اتخاذ می‌کنند. (Bourdieu, 1984).

طرفداران مکتب مطالعات فرهنگی برمینگام در بررسی فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان نیز چنین رویکردی را اتخاذ کردند. عمده این متفکران معتقدند که این طبقه افراد است که تعیین کننده نوع لباس، سبک زندگی و نوع فعالیت فراغتی جوانان است. وجه تمایز دیدگاه آنها با بوردیو تأکید اینان بر مقوله مقاومت فرهنگی است. آنان با تأکید بر مصرف فرهنگی جوانان طبقه کارگر در بریتانیای بعد از جنگ و ارائه تفسیری سیاسی از آن، فعالیت خرده‌فرهنگی جوانان را واکنشی در برابر وضع موجود بر جامعه و در واقع نوعی دهن کجی تلقی می‌کردند.

طرفداران دیدگاه دوم که با تسامح می‌توان عنوان «نظریه‌پردازان پست‌مدرن» را بر آنان اطلاق کرد، معتقدند

که در بررسی فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان و عوامل موثر بر تعلق آنان به این گروه‌ها باید فراتر از مسئله طبقه به آن نگاه کرد؛ به عبارت دیگر، آنها بر این باورند که در دوران فرامردن و متأثر از پیشرفت‌های سریع در عرصه‌های مختلف دیگر نمی‌توان با صراحت از مرزبندی‌های سابق سخن به میان آورد و جامعه را به دو طبقه فقیر و ثروتمند تقسیم کرد. آنجلا مک رویی و گاربر با انتقاد از مطالعات انجام شده در زمینه خرده‌فرهنگ‌ها معتقدند که در مطالعات پیشین کمتر به دو مقوله جنسیت و جنس پرداخته شده و با وجود اینکه «طبقه» یک متغیر مهم در بررسی گرایش جوانان به گروه‌های خرده‌فرهنگی خاص است، نمی‌توان از عامل «جنسیت» چشم پوشید؛ چنان که شواهدی را ذکر می‌کنند که دختران در گروه‌های خرده‌فرهنگی حضوری فعال داشته و پا به پای دوست پسران‌شان درگیر بودند.

سارا ترنتون (۱۹۹۵) با انتقاد از کسانی که قائل به تفسیری طبقاتی از فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان‌اند، معتقد است که اگر چه سرمایه خرده‌فرهنگی به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌گردد، اما به عنوان حد و مرز طبقات محسوب نمی‌شود. البته این به این معنی نیست که سرمایه خرده‌فرهنگی با طبقه ارتباطی ندارد. به عقیده ترنتون، طبقه عملاً به واسطه تمایزات خرده‌فرهنگی کم‌رنگ می‌شود و توجه خود را معطوف به متغیرهایی همچون سن، جنس و تمایزات اجتماعی می‌کند. برای مثال، وی معتقد است که دختران بیشتر وقت و هویت‌شان را صرف فعالیت در مدرسه می‌کنند، در حالی که پسران بیشتر وقت و درآمدشان را صرف فعالیت‌های فراغتی مانند بیرون رفتن، گوش دادن به نوار و خواندن مجله موسیقی می‌کنند. (Thornton, 1995). به عقیده ترنتون سیاست‌های جوانی بیشتر رویکردی غیرطبقاتی به خود گرفته و جوانان آرزوی یک دنیای برابرتر و دموکراتیک‌تر را دارند. لذا غیرطبقاتی شدن تبدیل به یک استراتژی شده که از طریق آن جوانان به افقی بالاتر از زندگی طبقه‌بندی شده می‌نگرند.

اندی بنت هم با انتقاد از کسانی که معتقد به تفسیری طبقاتی از خرده‌فرهنگ جوانان‌اند، معتقد است که دیگر عبارت خرده‌فرهنگ با مفهوم کلاسیک آن که بیشتر بار طبقاتی دارد نمی‌تواند جوابگوی مسائل مربوط به جوانان باشد. از این رو، مفهوم سبک زندگی را برای بررسی مسئله هویت اجتماعی و اشکال بیان جمعی در چهارچوب قبیله‌های جدید به کار می‌گیرد. به عقیده بنت، سبک زندگی توصیف‌کننده ظرافت به کار گرفته شده از سوی جوانان در انتخاب کالاها و الگوهای خاص مصرف است. مفهوم سبک زندگی برخلاف معنی کلاسیک آن که دلالت بر زمینه‌های طبقاتی دارد، افراد را به عنوان مصرف‌کنندگان خلاق می‌داند که انتخاب آنها انعکاس دهنده یک عقیده شکل گرفته از هویت است. مفهوم سبک زندگی اذعان بر این واقعیت است که مصرف‌گرایی شیوه جدید ارتباط فردی را ترجیح می‌دهد.

فرناس هم همانند بنت معتقد به فردی شدن مصرف فرهنگی جوانان در دوران مدرنیته متأخر است. به عقیده وی در دوران اخیر تحت تأثیر تغییرات اجتماعی سریع و رادیکال، پیوندهای سنتی که به وسیله طبقه و خانواده شکل می‌گرفت، کم اهمیت شده است. از این رو، جوانان به صورت مستقل‌تری قادرند انتخاب کنند که چگونه زندگی کنند و کسی آنها را مجبور به انتخاب سبک زندگی نمی‌کند. به عقیده وی عوامل اقتصادی و اجتماعی سنتی به طور فزاینده‌ای ارزش و اهمیت خود را در انتخاب سبک زندگی جوانان از دست داده‌اند و انتخاب‌ها خیلی شخصی شده است (Fornas, 1995:138).

به عقیده فرانس، در دوران مدرنیته متأخر هر چند که تا حدودی تفاوت میان گروه‌ها باقی مانده، اما به سطح دیگری حرکت کرده و امروز حتی آنهایی که در پایین‌ترین گروه‌های اجتماعی قرار دارند، قادرند که سهمی در رفاه روزافزون امروزی داشته باشند. در این دوران به دلیل گسترش فردی شدن، همبستگی طبقات کاهش یافته، مرزهای مشترک بین طبقات مختلف فراموش شده و تمایزات فردی جایگزین آن شده است (54-53: Ibid).

دیدگاه اولف هانرز در باب جهان‌وطنی نیز به نوعی در میان طرفداران رویکرد دوم قرار می‌گیرد. به عقیده هانرز، امروز متأثر از گسترش ارتباطات، شاهد ارتباطات روز افزون بین فرهنگی هستیم که منجر به سست شدن مرزهای محلی و در نتیجه امکان تبادل بین فرهنگی شده است. جهان‌وطن‌گرایی به معنی اشتیاق به صحبت کردن با دیگران و توانایی راه‌یابی به فرهنگ‌های دیگر از طریق گوش دادن، توجه کردن و درک مستقیم و انعکاس آن است (Featherstone, 1992: 239). به نظر ایشان در دوران فرامردن امروزی شاهد پیوند عناصر فرهنگی محلی و جهانی از سوی جهان‌وطنان هستیم که این پیوند در اشکال ملموس فرهنگ یعنی زبان، موسیقی، هنر و آیین‌ها چشمگیرتر است.

دو مولفه دیگر از تمایزات فرهنگی که می‌توان آنها را در جرگه دیدگاه نظری دوم قرار داد، عبارت‌اند از: درجه مذهبی بودن و مشارکت سیاسی جوانان. از آنجا که فعالیت‌های خرده‌فرهنگی متداول در میان جوانان ایرانی بیشتر ریشه در فرهنگ سکولار جوامع غربی دارد - یا حداقل با برداشت سوم از یک دین‌دار مسلمان سازگار نیست - این سؤال مطرح می‌شود که آیا افرادی که به سمت این گونه فعالیت‌ها گرایش پیدا می‌کنند، از درجه مذهبی بودن کمتری برخوردارند یا اینکه در عین مذهبی بودن به فعالیت‌های خرده‌فرهنگی نیز می‌پردازند. شاید بتوان گفت معمولاً افرادی که به سمت این گونه فعالیت‌ها گرایش پیدا می‌کنند که احساس کمبودهایی در فرهنگ خودی دارند؛ به عبارت دیگر، فرد یا افرادی که به سمت فعالیت‌های خرده‌فرهنگی وارداتی متمایل می‌شوند، سعی بر آن دارند تا نیازهای فرهنگی خود را با گرایش به سمت عناصر فرهنگی خارجی بر طرف کنند - برخلاف افراد مذهبی که گرایش به سمت عناصر فرهنگی داخلی دارند و نیازهای فرهنگی خود را با توسل به عناصر فرهنگی داخلی تأمین می‌کنند.

میزان مشارکت سیاسی جوانان، متغیر مهم دیگری است که می‌تواند بر میزان تعلق جوانان به خرده‌فرهنگ جوانان تأثیرگذار باشد. نظریه پردازان مکتب برمینگام در بررسی فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان در بریتانیای بعد از جنگ، بر این باورند که جوانان برای نشان دادن مخالفت خود با وضع سیاسی موجود به سمت گروه‌های خرده‌فرهنگی کشیده می‌شوند. لذا عده‌ای فعالیت‌های خرده‌فرهنگی جوانان را واکنشی فرهنگی - سیاسی بر علیه وضع موجود می‌دانند - از آنجا که مشارکت سیاسی ابعاد مختلفی دارد، توجه این تحقیق بیشتر به آن بعد از مشارکت سیاسی است که توأم با پذیرش وضع موجود باشد؛ به عبارت دیگر، میزان مشارکت سیاسی جوانان بیانگر میزان پذیرش وضع سیاسی موجود تلقی می‌گردد و به نوعی بیانگر دید مثبت آنان به اوضاع سیاسی کشور است. بنابراین اگر جوانان به مشارکت سیاسی علاقه‌ای نشان ندهند و نهادهای مرتبط هم آنها را به مشارکت سیاسی ترغیب نکنند، این احتمال وجود دارد که جوانان به سمت خرده‌فرهنگ‌ها بروند. پس این احتمال وجود دارد که جوانانی که سرگرم فعالیت سیاسی‌اند، رغبت، انگیزه و فرصت کمتری برای

فعالیت‌های خرده‌فرهنگی داشته باشند.

تعریف مفاهیم

خرده‌فرهنگ جوانان

خرده‌فرهنگ جوانان به گروهی از جوانان مربوط می‌شود که ضمن داشتن وجوه مشترک با فرهنگ عامه، دارای ارزش‌ها، باورها، فعالیت‌های فراغتی، سبک‌های زندگی و پوشش‌های متفاوتی از دیگر اعضای جامعه‌اند و همین وجوه متمایز به آنان هویت خاصی می‌بخشد.

درجه جهان‌وطنی

اولف هانرز (۱۹۸۷) جهان‌وطن را کسی می‌داند که برای حرکت در دنیا آزاد باشد و در آن واحد از چند فرهنگ بهره‌مند و نسبت به آن فرهنگ‌ها متعهد باشد که این مستلزم رهایی از قید و بندها و پیش‌داوری‌های تنگ‌نظرانه فرهنگ ملی و استقبال از تنوع فرهنگی است (Hannerz, 1987).

درجه مذهبی بودن

فرد مذهبی بر کسی اطلاق می‌شود که با آگاهی اگر چه اندک به اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل پیروی از آن دین را اتخاذ می‌کند؛ به نحوی که بر زندگی اجتماعی و غیر دینی او تاثیر گذار باشد.

(انوری، ۱۳۷۴: ۱۵۶)

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی را می‌توان مشارکت مسالمت‌آمیز از جمله در انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه سطوح ملی و فراملی، فعالیت در احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل حزب و گروه‌های سیاسی به منظور دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان سیاسی که با سر نوشت جامعه مرتبط است، تلقی کرد. (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۲۹).

روش اجرای تحقیق

این پژوهش از نوع پیمایش (Survey) است که در آن محقق قصد دارد عوامل همبسته و تأثیرگذار بر درجه تعلق جوانان به گروه‌های خرده‌فرهنگی را مورد بررسی قرار دهد.

تکنیک گردآوری داده‌ها

ابتدا برای آشنایی با موضوع مورد بررسی و شناخت ابعاد مختلف مسئله تحقیق و همچنین تهیه پرسش‌نامه مقدماتی، مطالعات اکتشافی در قالب مصاحبه‌های باز با افرادی که گمان می‌رفت که بیشترین شباهت را با افراد مد نظر در این تحقیق دارند، ترتیب داده شد؛ به طوری که به مکان‌هایی همچون مراکز خرید، پارک‌ها و مکان تفریحی دربنند که احتمال می‌رفت افراد مورد نظر در آنجا یافت شوند، مراجعه شد و مصاحبه‌هایی

با این افراد صورت گرفت - ماحصل این گفتگوها آشنایی بیشتر محقق با موضوع تحقیق و آماده شدن مقدمات تهیه پرسش‌نامه مقدماتی بود. معیار انتخاب افراد، وضع ظاهری آنان بود؛ چنان که افرادی انتخاب می‌شدند که دارای ظاهری متفاوت از دیگر جوانان بودند. پسران بیشتر دارای موهای بلند، مدل ریش‌بزی یا پرفسوری، شلوارهای جین و پاچه‌گشاد، تی‌شرت‌هایی با آرم‌های مختلف و موهای ژل زده و دختران دارای مانتوهای آستین کوتاه، شلوار برمودائی، موهای ژل زده و بیرون از روسری یا مقنعه و آرایش غلیظ بودند. بدین ترتیب، در این تحقیق، تکنیک اصلی گردآوری داده‌های مورد نیاز پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه تحقیق مشتمل بر سؤالات باز و بسته‌ای است که در قالب سؤالاتی با پاسخ‌های پنج گزینه‌ای، چهار گزینه‌ای، سه گزینه‌ای و دوگزینه‌ای (به صورت بله و خیر) ارائه شده‌اند. متغیرهای درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان، درجه مذهبی بودن، مشارکت سیاسی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به صورت شاخص ترکیبی تهیه و تدوین گردیده و متغیر نگرش جهان‌وطنانه نیز به صورت طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جوانان دختر و پسر ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر تهران است و حجم نمونه نیز ۴۰۰ نفر تعیین شده است.

با توجه به ماهیت تحقیق و تاکید بر این نکته که در بررسی گروه خاصی که به خرده‌فرهنگ جوانان تعلق دارند، به دنبال تعمیم نبودیم، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند (Purposive sampling) استفاده شد. دلیل انتخاب این روش علاوه بر ماهیت خاص تحقیق، پراکندگی بیش از حد جوانانی است که تعلق خرده فرهنگی دارند. دواس در کتاب "پیمایش در تحقیقات اجتماعی"، روش نمونه‌گیری عمدی را یکی از اشکال نمونه‌گیری غیراحتمالی تعریف کرده که در آن انتخاب موارد (مثلاً افراد) به عنوان مصداق طبقه یا مقوله‌ای از موارد که مورد علاقه محقق است، صورت می‌گیرد. به اعتقاد دواس، این روش به رغم عدم استفاده از تکنیک نمونه‌گیری احتمالی، پیش‌بینی‌های کم‌هزینه و به طور شگفت‌انگیزی کارآمد به بار می‌آورد (دواس، ۱۳۸۲: ۸۵).

تکنیک‌های آماری مورد استفاده در تحقیق

در این تحقیق از آمار توصیفی جهت توصیف و تلخیص داده‌ها بهره‌گیری شده و با توجه به سطح سنجش متغیرها اعم از: اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای، از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی جهت توصیف داده‌ها و همچنین از آماره‌های پیرسون، آلفا و تی تست (T_Test) برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. برای بررسی میزان تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته و نیز تبیین ظاهری تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته از آماره رگرسیون استفاده شده است.

روایی و اعتبار

برای سنجش میزان پایایی (Reliability) پرسش‌نامه، آن را در اختیار ۳۰ نفر از جوانان که به نظر می‌رسید بیشترین شباهت و نزدیکی را با نمونه اصلی تحقیق دارند، قرار دادیم که در حین انجام مصاحبه با آنان نقاط

ابهام پرسش‌نامه شناسایی و مرتفع شد. در مرحله بعد، با استفاده از نرم افزار spss میزان پایایی سؤالات مورد آزمون قرار گرفت و با توجه به اینکه در همه متغیرها اعم از مستقل و وابسته، پایایی (Reliability) بالای ۰/۷ بود (درجه تعلق به خرده فرهنگ جوانان ۰/۷۲۳، درجه مذهبی بودن ۰/۷۲۳، مشارکت سیاسی ۰/۸۸۲، پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۷۰۹ و درجه جهان‌وطنی نیز ۰/۷۲۴). لذا با اطمینان می‌توان گفت که سؤالات پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. برای بررسی اعتبار (validity) نیز پرسش‌نامه در اختیار چند تن از اساتید متخصص در این رشته به ویژه استادان راهنما و مشاور پایان‌نامه قرار داده شد که اعتبار شاخص‌ها و معرف‌های پرسش‌نامه مورد تأیید ایشان قرار گرفت.

یافته‌های توصیفی

۵۵/۵ درصد پاسخگویان پسر و ۴۵/۵ دختر می‌باشند و ۷۰ درصد آنان در فاصله سنی ۲۳-۱۸ سالگی قرار دارند. ۲۴ درصد پاسخگو ان ساکن جنوب تهران، ۲۰ درصد ساکن شرق تهران، ۱۶ درصد ساکن مرکز تهران، ۲۰ درصد ساکن غرب تهران و ۲۰ درصد ساکن شمال تهران‌اند. ۵۷ درصد پاسخگویان نیز سطح سواد بالاتر از دیپلم (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) دارند. ۸۷ درصد پاسخگویان، انواع مدل‌های شلوار جین (بگی، معمولی، اندامی و برمودایی) را ترجیح می‌دهند. ۲۹ درصد از خانم‌های پاسخگو شلوار برمودایی را بر دیگر مدل‌ها ترجیح می‌دهند. ۶۹/۵ درصد پاسخگویان مدل کفش اسپورت را می‌پسندند. ۴۸ درصد پاسخگویان موسیقی پاپ لس‌آنجلسی را بر انواع دیگر موسیقی ترجیح می‌دهند. ۷۹ درصد جوانان موسیقی خارجی گوش می‌دهند. ۲۲ درصد پسران مدل ریش Alliga-tor را ترجیح می‌دهند. ۵۱ درصد پاسخگویان سیگار می‌کشند. ۶۸ درصد پاسخگویان کانال‌های ماهواره‌ای را تماشا می‌کنند. ۸۰/۵ درصد جوانان دوستی از جنس مخالف دارند. ۶۸ درصد پاسخگویان در پارتی‌های دوستانه شرکت کرده‌اند. ۴۱/۵ درصد قرص‌های شادی‌آور مصرف کرده‌اند. ۵۶ درصد مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند. ۳۹ درصد تجربه استفاده مواد مخدر را دارند و ۶۱ درصد پاسخگویان با جنس مخالف خود رابطه جنسی غیر مجاز داشته‌اند.

نگرش جهان‌وطنانه

۳۹/۵ درصد پاسخگویان معتقدند استفاده از لباس‌های خارجی بهتر و به صرفه‌تر است. (اعم از موافق و خیلی موافق) ۶۰ درصد موسیقی خارجی را بر موسیقی داخلی ترجیح می‌دهند. ۴۷ درصد با اینکه استفاده از ماهواره در ایران باید آزاد شود، موافق‌اند و ۵۱ درصد براین باورند که باید به جوانان اجازه داد تا به راحتی از سایت‌های اینترنتی استفاده کنند و به سایت‌های مورد علاقه‌شان دسترسی پیدا کنند. ۲۱ درصد نیز ابراز داشته‌اند که ترجیح می‌دهند نوع لباس و مدل آرایش‌شان را از هنرمندان خارجی اقتباس کنند.

مشارکت سیاسی

۴۰ درصد جوانان در انتخابات شورای شهر در ۳ سال پیش شرکت کرده‌اند. ۴۶ درصد پاسخگویان در انتخابات مجلس در ۲ سال پیش شرکت کرده‌اند. ۳۸ درصد جوانان علاقه‌ای به پیگیری اخبار و مسائل سیاسی

از رادیو، تلویزیون و مطبوعات ندارند. ۴۴ درصد پاسخگویان به مسئولان سیاسی کشور اصلاً اعتماد ندارند. ۳۳/۵ درصد نیز گفته‌اند که درخصوص مسائل سیاسی اصلاً با خانواده و دوستان بحث نمی‌کنند. ۵۵/۵ درصد اذعان دارند که اصلاً دیگران را به شرکت در انتخابات تشویق نکرده‌اند.

درجه مذهبی بودن:

۸۵ درصد پاسخگویان به زیارت مشهد مقدس رفته‌اند. ۷۹ درصد نماز می‌خوانند که از این میان ۳۴ درصد جوانان به صورت منظم و کامل نماز یومیه خود را می‌خوانند. ۷۱ درصد جوانان به این مسئله که باید در گوش بچه هنگام تولد اذان گفت، اعتقاد دارند. ۵۷ درصد جوانان می‌دانند که قرآن چند سوره دارد و ۷۱ درصد نیز گفته‌اند که به مساجد و تکایا کمک مالی کرده‌اند.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی

بر اساس یافته‌های تحقیق، پدران ۵۸/۵ درصد از پاسخگویان دارای مشاغل در حد متوسط، ۲۸ درصد مشاغل خوب و ۸ درصد نیز مشاغل عالی‌اند. از نظر وضعیت درآمد، ۲ درصد از پاسخگویان درآمد پدرشان خیلی ضعیف، ۲۳ درصد ضعیف، ۴۶ درصد متوسط، ۱۶ درصد خوب و ۱۲/۵ درصد نیز عالی است.

نتایج تحلیلی تحقیق

رابطه نگرش جهان‌وطنانه و درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان

باتوجه به سطح سنجش فاصله‌ای هر دو متغیر آزمون پیرسون، بهترین آماره برای سنجش معنی‌داری، نوع رابطه، شدت و جهت رابطه بین دو متغیر است. نرم افزار SPSS سطح معنی‌داری رابطه هر دو متغیر را ۰/۱۲۷ نشان می‌دهد که چون عدد به دست آمده کمتر از ۵ درصد می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده نیز ۰/۰۷۶ است که نشان می‌دهد دو متغیر رابطه ضعیفی دارند.

رابطه مشارکت سیاسی جوانان و درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان

یافته‌های تحقیق حکایت از عدم معنادار بودن رابطه دو متغیر دارد، چون ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۰۶۴ است. با توجه به آن که میزان مشارکت سیاسی افراد معرف میزان پذیرش اوضاع سیاسی موجود است، به نظر می‌رسد که بیشتر جوانان متعلق به گروه‌های خرده‌فرهنگی، از وضع سیاسی موجود ناراضی‌اند و در فعالیت سیاسی بنا به دلایل شخصی و اجتماعی کمتر فعالیت دارند - ولی بر خلاف انتظار، هیچ گونه رابطه‌ای (اعم از معکوس یا مثبت) بین دو متغیر وجود نداشت.

رابطه درجه مذهبی بودن جوانان و درجه تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان

سطح معنی‌داری ۰/۱۲۷، حکایت از عدم معنی‌داری رابطه دو متغیر دارد. ضریب همبستگی رابطه دو متغیر نیز ۰/۰۷۶ است. در ابتدا فرض بر این بود که بین دو متغیر همبستگی معکوسی باشد که یافته‌های تحقیق خلاف این امر را نشان می‌دهند.*

* نیافتن رابطه میان دو متغیر مشارکت سیاسی و مذهبی بودن با تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان می‌تواند به شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی این پژوهش مربوط باشد؛ هنگامی که نمونه از میان جوانانی انتخاب شود که به خرده‌فرهنگ جوانان تعلق دارند، واریانس متغیرهایی مانند

رابطه بین درجه پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان و درجه تعلق به خرده فرهنگ جوانان

از آنجا که سطح معنی داری ۰/۰۰۳ بیانگر رابطه معنا دار بین دو متغیر است، با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که بین دو متغیر رابطه معنا دار وجود دارد - ضریب همبستگی رابطه دو متغیر نیز ۰/۱۵۰ است. یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر درجه تعلق جوانان به گروه های خرده فرهنگی پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان است. با توجه به اینکه شرکت در فعالیت های خرده فرهنگی مستلزم داشتن امکانات مادی و همچنین بستر و زمینه مناسب برای انجام چنین فعالیت هایی است، جوانانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بهتری برخوردار باشند، بیشتر به فعالیت های خرده فرهنگی و گروه های خرده فرهنگی گرایش پیدا می کنند.

رابطه سن و درجه تعلق به خرده فرهنگ جوانان

گرایش به سمت فعالیت های خرده فرهنگی معمولاً در سنین خاصی شکل می گیرد و بیشتر هم در سنینی است که جوانان در زندگی در قبال اطرافیان کمتر احساس تعهد می کنند و فرصت زیادی نیز برای فراغت دارند. در واقع، جوانان در سنین اولیه جوانی بیشتر به سمت فعالیت های خرده فرهنگی تعلق خاطر پیدا می کنند، اما یافته ها حکایت از عدم معناداری رابطه دو متغیر دارد؛ سطح معنی داری ۰/۲۲۳ دو متغیر مؤید این موضوع است. ضریب همبستگی رابطه دو متغیر نیز ۰/۰۶۱- است، با وجود این به نظر میرسد جوانان در سنین ۱۸ تا ۲۶ ساله بیشتر به گروه های خرده فرهنگی گرایش پیدا می کنند.

رابطه محل سکونت جوانان و درجه تعلق به خرده فرهنگ جوانان

تصور بر این بود که جوانانی که در مناطق بالای شهر تهران سکونت دارند، گرایش بیشتری به گروه های خرده فرهنگی نشان می دهند، اما یافته های تحقیق نشان می دهد که رابطه ای بین این دو متغیر وجود ندارد و سطح معنی داری ۰/۱۴۴ نیز مؤید این مسئله است.

نتیجه گیری

در بیان عوامل موثر بر درجه تعلق نسل جوان به خرده فرهنگ جوانان، یافته های تحلیلی این تحقیق نشان می دهد که گرایش های جهان وطنانه جوانان تأثیر مثبت بر گرایش جوانان به سمت فعالیت های خرده فرهنگی دارد. همان گونه که هانرز (۱۹۷۸) بیان کرد که به دلیل گسترش ارتباطات، امکان تبادلات فرهنگی بین جوامع مختلف به راحتی مهیا شده و از این روست که جوانان به ویژه جوانان تهرانی به راحتی می توانند جدیدترین مدل های مو، ریش، شلوار، کفش، موسیقی و حتی الگوی گذراندن اوقات فراغت را در سریع ترین زمان ممکن از فرهنگ های مختلف اخذ کنند و با تلفیق آن با عناصر فرهنگی داخلی مورد استفاده قرار دهند. این مسئله در میان دختران که بیش از پسران در قبال عناصر فرهنگی داخلی احساس تعهد می کنند ملموس تر و مشهودتر است؛ مهم ترین مصداق آنان را در میان دخترانی می توان یافت که به رغم استفاده از آرایش های خیلی غلیظ و پوشیدن شلوارهای برمودایی کوتاه و مانتوهای آستین کوتاه، همچنان از روسری یا مقنعه که از عناصر فرهنگی داخلی است استفاده می کنند. هر چند که اعمال فشار و محدودیت ها عامل اصلی استفاده این گونه خانم ها از روسری و مقنعه است، اما در مصاحبه هایی که با آنها داشتیم بخش عمده ای از آنها معتقدند که حتی اگر اعمال فشار هم نباشد باز هم از روسری و یا مقنعه استفاده می کنند.

همین دخترها نماز می‌خوانند، به صورت محدود در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، به مساجد و تکایا کمک می‌نمایند و به اصول اساسی دین نیز معتقدند، اما در عین حال در پارتی‌ها هم شرکت می‌کنند، مشروب مصرف می‌کنند و حتی رابطه جنسی غیر مجاز نیز دارند. نگارنده این سطور بر این باور است که این جوانان را باید کنش‌گران خلاق دانست که با وجود اینکه سعی دارند که یک زندگی مدرن داشته باشند و خود را با مقتضیات زمان هماهنگ کنند، ولی خود را پایبند به عناصر فرهنگی و مذهبی نیز می‌دانند - هر چند که این تلفیق در پاره‌ای اوقات، منجر به ایجاد چالش بین والدین و جامعه با جوانان می‌شود.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان نیز عامل مؤثر دیگری بر درجه تعلق جوانان به خرده‌فرهنگ جوانان است. همان‌گونه که در بخش مرور ادبیات نظری این تحقیق اشاره شد، بخش عمده‌ای از نظریه‌پردازان - به جز نظریه‌پردازان دارای رویکرد فکری پست‌مدرن - به تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی جوانان بر مصرف فرهنگی و نوع فعالیت فراغتی اعتقاد دارند، به ویژه طرفداران «مکتب مطالعاتی فرهنگی برمینگام» معتقد بودند جوانان طبقات پایین جامعه به گروه‌های خرده‌فرهنگی گرایش پیدا می‌کنند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جوانان با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا بیشتر از بقیه به خرده‌فرهنگ جوانان تعلق پیدا می‌کنند. این مسئله می‌تواند ناشی از فراهم بودن بستر مادی و فکری مناسب برای فعالیت‌های خرده‌فرهنگی در میان این گروه از افراد باشد. گذشته از این، در طول تاریخ بیشتر این طبقات بالای جامعه بوده‌اند که جدیدترین سبک‌ها و مدل‌ها را وارد جامعه کرده‌اند و در زمان حال نیز همین روند با شدت کمتری جریان دارد. بر این اساس، باید پذیرفت که به رغم سست شدن مرزهای طبقاتی و پایگاهی، باز هم طبقه و پایگاه اجتماعی افراد است که تعیین‌کننده کم و کیف مصرف فرهنگی جوانان است.

میزان مشارکت سیاسی جوانان، دیگر عامل تأثیرگذار بر درجه تعلق جوانان به گروه‌های خرده‌فرهنگی است. داده‌های توصیفی تحقیق حکایت از مشارکت ضعیف جوانان در فعالیت‌های سیاسی دارد که این می‌تواند متأثر از عوامل عدیده‌ای باشد. رابرت دال معتقد است که زمانی مردم در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌نمایند که احساس کنند مشارکت برای آنان فایده و پاداشی به همراه دارد. بی‌انگیزه بودن جوانان برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی در وهله اول، متأثر از نهادینه شدن این تفکر در میان جوانان است که شرکت یا عدم شرکت آنان در فرآیند فعالیت‌های سیاسی تأثیر چندانی بر شرایط موجود ندارد. بخش دیگری از پاسخگویان هم به قول خودشان به سیاست علاقه‌ای ندارند و بیشتر به دنبال خوشگذرانی و تفریح‌اند - مسئله‌ای که در میان جوانان جوامع دیگر نیز تا اندازه‌ای عمومیت دارد - ولی اذعان دارند که گرایش‌شان به گروه‌های خرده‌فرهنگی نه آن‌گونه که طرفداران «مکتب مطالعات فرهنگی برمینگام» اعتقاد دارند، مقاومت فرهنگی در برابر وضع موجود است بلکه بیشتر به دلیل علاقه شخصی‌شان به فعالیت‌ها و سبک‌های خاص این گروه‌هاست.

درجه مذهبی بودن، متغیر دیگری است که گمان می‌رود بر درجه تعلق جوانان به خرده‌فرهنگ جوانان تأثیرگذار باشد. هر چند که یافته‌ها خلاف این امر را تأیید کردند، ولی یادآوری نکاتی چند در این باره ضروری است. به نظر می‌رسد که جوانانی که تعلقات خرده‌فرهنگی دارند، از دیگر گروه‌ها تعلق کمتری به مذهب و مسائل مربوط به آن داشته باشند، اما بر اساس یافته‌های تحقیق، جوانان در بعد اعتقادی و نظری به عقاید

مذهبی پایبندند و درصد بالایی از آن‌ها به خدا، روز قیامت، نبوت و امامت اعتقاد دارند، ولی در بعد عملی، تعلق کمتری از خود نشان می‌دهند.

همچنین، یافته‌های تحقیق نشان داد که جنس نمی‌تواند یک عامل تأثیرگذار بر درجه تعلق جوانان (اعم از دختر و پسر) باشد و این به نوعی مؤید گفته آنجلا مک رویی و گاربر است که با انتقاد از مطالعاتی که به دختران به عنوان موجوداتی منفعل در گروه‌های خرده‌فرهنگی نگاه می‌کردند، معتقد بودند که دختران همانند پسران در این گروه‌ها فعالیت دارند.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف سابق که معمولاً طبقات بالای جامعه و کسانی که در نقاط مرفه تهران سکونت داشتند، واردکنندگان و مشتریان اصلی کالاهای غربی‌اند، در حال حاضر دیگر این مرزبندی شکسته شده و جوانان مناطق پایین‌تر تهران حتی بیش از بقیه به سمت این کالاها گرایش پیدا می‌کنند - این بیانگر فراگیر شدن دایره فعالیت خرده‌فرهنگ جوانان به همه نقاط و درنوردیدن مرزبندی‌های گذشته است.

این تحقیق، حاوی یک پیام مهم است و اینکه جوانان ایرانی به خصوص جوانان تهرانی همگام با جوانان جوامع دیگر در حال تجربه یک دوران زندگی نوین‌اند و سعی دارند تا با اقتباس عناصر و کالاهای فرهنگی از فرهنگ‌های دیگر و تلفیق آن با عناصر داخلی به نوعی از قافله عقب نمانند. نکته در خور توجه اینکه هرگونه حرکت افراطی از سوی جوانان در پذیرش عناصر فرهنگی جوامع غربی ممکن است منشا بروز چالش‌هایی چه در عرصه خصوصی (با والدین) و چه در عرصه عمومی (با فرهنگ رسمی) شود. از این رو، لازم است که والدین و دستگاه‌های متولی امور جوانان با این مسئله مواجهه‌های دقیق و منطقی داشته باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. اشرفی، ابوالفضل (۱۳۸۱) "بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ، پانک، هوی متال و...)" در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲. امین صارمی، نوذر (۱۳۷۷) "جامعه‌شناسی خرده‌فرهنگ و مجرم: بررسی خرده‌فرهنگ‌های دستگیرشدگان منکراتی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳) "پژوهش راجع به تقیدگرایی و عوامل موثر بر آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. بساط بیگی، علی (۱۳۸۱) "جامعه‌شناسی جوانان شهر تهران: بررسی علل گرایش جوانان به خرده‌فرهنگ‌های مذهبی و ضد فرهنگ‌های (رپ، هوی‌متال، پانک و...) در تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۵. پور غلام آرائی، زهرا (۱۳۸۴) "بررسی گرایش‌ها و رفتارهای خرده‌فرهنگی دختران نوجوان و عوامل موثر بر آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. تامیلسون، جان (۱۳۸۱) جهانی‌شدن و فرهنگ. محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۷. دواس، دی. ای. (۱۳۸۲) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نائبی. تهران: نشر نی
۸. ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۲) "جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی". فصلنامه مطالعات جوانان. شماره ۳ و ۴. تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
۹. شهابی، محمود (۱۳۸۲) "جهانی‌شدن خرده‌فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی‌شدن". فصلنامه مطالعات جوانان. شماره ۵. زمستان ۱۳۸۲.
۱۰. صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۷۳) "بررسی نگرش سیاسی جوانان ذکور تهرانی ۱۷ تا ۲۲ سال و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. کوه دخیل، مجید (۱۳۸۱) "بررسی عوامل موثر بر گرایش جوانان به الگوهای غربی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۲. ناجی‌راد، علی (۲۸۳۱) بررسی موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بعد از انقلاب. تهران: نشر کویر
13. Bourdieu, P. (1984) *Distinction: A sociological critique of the judgment of taste*. London: routledge
14. Brake, Michael (1985) *Comparative youth culture*. London: routledge
15. Clarke, G. (1976) *Defending ski – jumpers: A critique of theories of youth subculture*. cccs stencilled occasional paper
16. Cohen, A. (1997) *A general theory of subcultures*. in Gelder, k. and Thornton, S. (eds) *The subcultures Reader*, Routledge.
17. Featherstone, mike (1992) *Global culture*. London: sage
18. Fornaas, J. & Bolin, G. (1995) *Youth culture in Late Modernity*. London: Sage
19. Hall, s. & Jefferson, T. (1970) *Resistance through rituals*. Routledge

20. Hannrez, U.(1985) **cosmopolitans and local in world culture**. In M. Featherstone Book: **Undoing culture: globalization- post modernism and identity**. London:sage
21. Hebdige, D. (1979) **Subculture : the meaning of style**. london:Methuen
22. Mcrobbie, angela & garber, jenny (1976)**Girls and subculture**. an exploration in stuart hall and tonyjefferson (eds). **Resistance through rituals :youth subculture in post war Britain**. London: Hutchinson
23. Thornton, S. (1995) **Club culture :music ,media and sub cultural capital policy press**. Cambridge



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز